

گرفت نیز پژوهشهای درخوری انجام نگرفته است و این امر نیازمند تعمق بیشتری است. به هر حال اثر شلش به لحاظ دسترسی وی به آرشیو مطبوعات پایتختهای مصر، فرانسه و انگلیس که از دید محققان دور بوده است حائز اهمیت است و مطالعه و بررسی دقیق و موشکافانه مقاله‌های سیدجمال‌الدین در شناخت واقعی وی سودمند می‌باشد.

شکوفه «نخستین روزنامه زنان ایران»

حوریه سعیدی

شکوفه به انضمام دانش؛ نخستین نشریه‌های زنان ایران. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷، ۳۶۰ ص.

شکوفه، «روزنامه‌ای است اخلاقی، ادبی، حفظ‌الصحه، خانه‌داری، بچه‌داری؛ مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان - راجع به مدارس نسوان مقالاتی که با مسلک جریده موافقت داشته باشد پذیرفته می‌شود.» با این اهداف و خط‌مشی، شکوفه از ذیحجه ۱۳۳۰ تا ذی‌قعدة ۱۳۳۴ هـ.ق اولین روزنامه‌ای که به وسیله یک زن و مخصوص بانوان منتشر شد، خود را معرفی می‌نماید. مشخصات ظاهری روزنامه: چاپ سنگی و سربی با خط تحریری و حروفچینی، در قطع رحلی است. همچنین از روشهای جذاب نویسنده استفاده از طرح، و یا به قول خودش، «کاریکاتور» برای بیان منظور در صفحه آخر برخی از شماره‌های آن بود.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول و نویسنده روزنامه، مریم میرعمید سمنانی (مزمین السلطنه)، دختر میر سیدرضی رئیس‌الاطباء پزشک قشون ناصرالدین شاه بود. وی در سال ۱۳۳۰ هـ.ق با تأسیس روزنامه شکوفه وارد عرصه مطبوعاتی کشور گردید. از دیگر اقدامات فرهنگی خانم عمید، علاوه بر تشویق بانوان فرهیخته به ایجاد و گسترش مدارس ویژه دختران تأسیس مدرسه‌ای به نام «دارالعلم و صنایع مزینیه» است.

این بانوی آگاه و عالم حتی در هنگامی که به مقتضای شرایط زمان خود به عنوان یک زن خانه‌دار، می‌بایست تنها به امور خانه بپردازد، از تحصیل و فراگیری غافل نمی‌ماند و در اجتماعات فرهنگی به فعالیت مشغول بود. از جمله در انجمنی به نام «انجمن همت

خواتین»^{۱۴}، که به انگیزه ترویج و تبلیغ استفاده از اشیاء و منسوجات وطنی و تشویق به فراگیری هنرهای دستی در نزد بانوان ایجاد شده بود، شرکت و حضوری فعال داشت. مزین السلطنه در سال ۱۳۳۷ هـ.ق درگذشت.^{۱۵}

محور عمده مطالب روزنامه شکوفه را مسائل خانواده تشکیل می‌دهد. همین گرایش خاص، موجب تنوع موضوعات روزنامه است و مقالات آن نیز، با تلاش نویسنده، از همین تنوع حکایت می‌کند. در هر صورت تشویق به فراگیری سواد و تحصیل علم در نزد بانوان را شاید بتوان انگیزه اصلی یا یکی از قوی‌ترین انگیزه‌های میرعمید در تأسیس این روزنامه دانست. درباره اهمیت این موضوع در همان شماره اول روزنامه آمده است:

... تا بر همه کس واضح شود که خداوند علی‌اعلی در آفرینش بخل نفرموده مرد و زن را در قوای ظاهری و باطنی یکسان خلق کرده و در هر دو صنف گوهر گرانبها که عقل باشد به ودیعه گذارده و هر دو صنف را قابل ترقی و تحصیل علوم و صنایع فرموده. پس ای خانمهای محترمه چشم باز کنید، حواس ظاهره و باطنه خودتان را جمع فرمایید و سخنان و اقوال بعضی از عوام را در اندازید که عقیده دارند که زنها نباید علم و خط و سواد داشته باشند... اینها یعنی چه؟ پیغمبر اکرم فرموده که «تحصیل علم فریضه هر مسلم و مسلمه است». هرگاه به دقت تصور بفرمایید منافع علم بسیار است... همین قدر عرض می‌کنم علم است که ماها را با عفت می‌کند، علم است که ماها را با شرافت می‌نماید... علم است که ما را قابل خانه‌داری و بچه‌داری و تربیت نوباوگان می‌نماید...^{۱۶}

مزین السلطنه در همان شماره در بحث فواید روزنامه، به طور عام، توضیح می‌دهد که به واسطه روزنامه است که «تمدن»، «تنقید افکار»، «طریقت زندگانی»، «تحصیل علم و معرفت و تجارت و زراعت» و «غیرت و ذلت هر مملکت»، خود را نشان می‌دهد.^{۱۷} همچنین درباره منافع و اهداف این روزنامه برای بانوان این‌گونه شرح می‌دهد:

... در این جریده به غیر از علم اخلاق و آداب تربیت اطفال و حفظ‌الصحه مختصری برای آنها و ترک عادات بد از قبیل دروغ‌گویی، کینه‌جویی، پس‌فطرتی، بی‌ناموسی، لامذهبی ... و سایر اعمال و افعال قبیحه و آداب شنیعه از روی دلایل صحیح و آداب خانه‌داری و تشویق به بعضی هنرهای لازمه و ذکر احوالات بعضی

۱۴. روزنامه شکوفه، شماره ۱۲، سال سوم (۱۳۳۳ هـ.ق)، ص ۱۹۷.

۱۵. برای اطلاع بیشتر درباره خانم مریم عمید (مزین السلطنه) رک: عبدالرفیع حقیقت. تاریخ سمنان.

۱۶. ۱۳۵۲. ص ۶۹۲-۷۰۲. ۱۶. روزنامه شکوفه، شماره ۱، سال اول، (۱۳۳۰ هـ.ش)، صص ۱-۲.

۱۷. همان، صص ۲-۳.

از زنان جلیله عقیقه صالحه روزگار و بعضی از نصایح و چیزهای دیگر نوشته شود. انشاءالله به توسط این روزنامه و همراهی خانمهای متمدنه کم کم اسبابی فراهم شود که زنها به تدریج به راه تمدن و علم و معرفت قدم گذارند و در فکر وطن عزیز و تربیت نوباوگان که نهالهای خداوندی و امانتهای یزدانی و ثمره حیات و مامت ما هستند برآیند...^{۱۸}

این نکته قابل تأمل است که مزین السلطنه به شکلی دلسوزانه به نقد بعضی اشکالات و مشکلات اجتماعی پرداخته و به جای لحن خشک و بی‌روح پندآموزیهای متکبرانه به همدلی با بانوان مخاطب خود نشسته و به نصیحت عالمانه ایشان همت گماشته است. وی در هر مرحله از نقد و نصیحت و پیشنهاد، از اعتقادات، اخلاقیات و باورهای مذهبی حاکم بر جامعه، که خود نیز بدان بسیار پایبند بود، مدد گرفته و در هربخش، شاهدی بر مدعای خویش می‌آورد.

بخش گسترده‌ای از مقالات به توصیه‌هایی راجع به ایجاد حریم ادب و احترام، وظیفه میان زن و شوهر و اهمیت ایجاد محیطی امن و آرام برای آرامش خانواده و تربیت فرزندان اختصاص دارد. در این مرحله بیشتر روی سخن با زن خانواده دارد.

خدای متعال، عسراسمه، هر خلقتی را در عالم از برای کاری و درخور امری خلق فرموده؛ قامت انسان را بر رأی* «انا خلقنا الانسان فی احسن التقویم» آراسته پس هرکس باید رفتار نماید به مقام خود و کردار کند بر شرف خود؛ مثلاً وظیفه مردان که از حیث عضلات قوی‌تر از زنانند آن است که خود را در انواع مهلکه و صدمات گوناگون انداخته تا امور زندگی چند نفر از عیال و اولاد خود را اداره کند و ناگزیر می‌خواهد پس از صدمات و افروختگیها، در منزل خود راحت نموده چند شاهی که به زحمت تحصیل نموده با سلامت مزاج و زندگی منظم با اطفال با تربیت و زوجه خوش اخلاق صرف نماید... ای بسا از زنها بدخلق که فامیلها را متفرق و ثروتها را تمام کرده و هر یک از اولاد و تبارشان در گوشه ای به ذلت و فلاکت زندگی می‌کنند...^{۱۹}

وی سپس نقش مرد را در خانواده خاطر نشان می‌سازد و مستقدانه نظر می‌دهد که اخلاق بد در نزد بعضی از خانمها تقصیر آقایان ایشان است که: «... رویه زنداری و فلسفه و پلتیک و حد معاشرت در رفتار با عیال خود را نمی‌دانند؛ همچو گمان می‌کنند که زنان

۱۸. همان، ص ۳. * لقد خلقنا الانسان فی احسن التقویم.

۱۹. همان، شماره ۴، سال اول (۱۳۳۱ ه.ق)، صص ۱۳-۱۴.

یک مخلوق می‌باشند غیر از انسان...»^{۲۰}.

از مقولات مورد علاقه و طرف توجه خاص روزنامه شکوفه تأکید بر لزوم تربیت و تعلیم دوشیزگان بود. یعنی تربیت آنها را، به عنوان همسر و مادران آینده که خود متقبل تربیت فرزندان و تأثیرگذار بر رفتار مردان خواهند بود، بسیار حساس و لازم شمرده و می‌نویسد:

... چنانچه خانمهای محترمه خوانده‌اند و مسبوق‌اند، اس اساس هر مملکت (و) ترقی و پیشرفت هر ملت بسته به وجود زنهای آنجاست و اگر خوب ملتفت شوید خواهید دید که همین است و لاغیر... تربیت زن که اول معلمه و مربیه طفل است واجب است. بل لازم است. حتی به تحقیق دیده شده دخترانی که بد اخلاق و بی تربیت هستند نه تنها در اولادشان اثری دارد بلکه شوهرهای ایشان نیز بعد از چندی مجالست با ایشان رفته رفته اخلاق زشت را خواهند گرفت... در هر مملکتی که مادرهای آنجا با تربیت باشند دزدی نمی‌شود، وطن فروشی و خیانت به مال وجود ندارد، بدبختی نخواهد ماند، فقر عمومی از میان مرتفع خواهد شد...^{۲۱}

در برخی از شماره‌های روزنامه نویسنده گاه مستقیم فرزندان خانواده‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد. چنانکه به نظر می‌آید وی ارزش تربیتی این خطاب و توجه خاص به بخشی از اجتماع را که عمدتاً در پایین‌ترین حد از توجهات اجتماعی بودند، درک کرده و با زبانی بسیار ساده به نصیحت آنان می‌پردازد. برای نمونه در مقاله‌ای با عنوان «دختر خوب کدام است»، چنین می‌آورد:

... دختر خوب آن است که قوه عاقله او بر قوه هوی و هوسش غالب باشد و از روی عقل و دانش رفتار نماید و به مدرسه برود و تحصیل علم بکند یعنی علوم لازمه مفیده از قبیل خواندن و نوشتن و مسائل دینی و غیره و غیره را یاد بگیرد و در ضمن از فراگرفتن صنایع یدی هم غفلت نرزد. دختر خوب آن است که کارهای خانه‌داری از قبیل رفت و روب و شست و شوی و دوخت و دوز و پخت و پز و غیره را خوب یاد بگیرد و عمر خود را به بیهوده تلف ننماید...^{۲۲}

توجه به بهداشت فردی و اجتماعی از جمله بهداشت نوزادان، اطفال و دانش‌آموزان

۲۰. همان، شماره ۹، سال دوم (۱۳۳۱ ه.ق)، ص ۱۰۲.

۲۱. همان، شماره ۶، سال اول (۱۳۳۱ ه.ق)، صص ۲۲-۲۳.

۲۲. همان، شماره ۱۱، سال اول (۱۳۳۱ ه.ق)، ص ۲۳.



نخستین نشریه های
زنان ایران

آثار و دستاوردهای زنان ایران

۱۳۷۱

از دیگر موضوعاتی بود که نویسندگان روزنامه، و همچنین خود وی، بسیار بدان می پرداختند. در این میان نویسنده گاه فرصتی می یافت تا با لحن انتقادی از برخوردهایی که اجتماع مردانه با جماعت خانمها داشت، یاد کند و نیز زیانهای بی توجهی به سلامت و بهداشت زنان را که به علت اوضاع اجتماعی کشور و همچنین ویژگیهایی طبیعی خود آنها بسیار آسیب پذیرتر از مردان هستند، گوشزد نماید.

... و دیگر از کارهایی که خیلی لازم است در حفظ الصحه آنها [خانمها] است. در دول متمدنه از برای حیوانات مریضخانهها و اسباب حفظ الصحه از هر قبیل مقرر است؛ زهی بدبختی که زنهای ایرانی از حیوانات خارجه پست تر هستند و علت غفلت از این امر مهم، که اس اساس زندگانی است، در نزد اشخاص عالم با خرد و معرفت هویدا است و آن این است که هیچ وقت اهمیت به زنهای ایرانی ندادند و در مقام نگاهداری از ایشان برنیامدند و حال آنکه علمای این فن شریف می دانند که زنها

به علاوه شرکت عمومی در احتیاج حفظ الصحه عمومی با مردها، بعضی از خصوصیات مخصوص هم دارند که حفظ الصحه آنها خیلی اهمیت دارد از قبیل تولد و تناسل و امراض رحمی و رضاع و ...»^{۲۳}

درباره بهداشت اجتماع که عمده معضل «بلدیه» و «شهرداری» در زمانهای دور و نزدیک بوده و هست وی با دقت نظر به موشکافی آن معضل و سپس ارائه راه حل پرداخته و ضمن بیان گوشه‌ای از آن «حفظ الصحه» و بهداشت جمعی، بی عملی مسئولان و در واقع رسیدگی نکردن به این بخش از مشکلات اجتماع را به نقد می‌کشد: ... اگرچه در مملکت ما حفظ الصحه دروغ است و هرگاه کسی بخواهد حفظ الصحه بنماید اسباب سخریه و استهزاء است ... کجاست حفظ الصحه قهوه‌خانه‌ها و آشپزخانه‌ها؟ کدام طیب معین شده است به رسیدگی این مجامع، و اشخاص که عمله جات آشپزخانه‌ها و قهوه‌خانه‌هاست، که معاینه بنمایند و هرکدام از قبیل سفلیس، سل و جرب و غیره دارند آنها را از کار توقیف نمایند... دیگر عرض نمی‌کنم که آشپزخانه‌ها را از جانب اداره حفظ الصحه مفتشهای صحیح می‌خواهد که چیزهای بد تقلب ساختگی مثل روغن بد، کره بد، گوشت مانده بز یا میش ناخوش کار نکنند... همه شب ملاحظه نمایند که غذایی که طبخ شده زیاد نباشد که بماند و در روز دیگر بخورد مردم بدبخت بدهند...»^{۲۴}

با مطالعه نکاتی که روزنامه شکوفه به آن پرداخته و نکته‌بینی‌هایی که خانم مزین السلطنه نسبت به دقایق اخلاقی، اجتماعی و تربیتی از خود نشان داده به نظر می‌آید که حساسیتهای اجتماعی و دید نقادانه وی به بسیاری از ظرایف پنهان اجتماع، بیشتر و دقیق‌تر از بسیاری از مردان هم‌عصر خود بوده و یا این که آقایان در آن هنگام آنقدر خود را به بازیهای سیاسی مشغول می‌داشتند که معضلات اجتماع داخل را یا از یاد برده و یا بی‌اهمیت می‌انگاشتند.

ضرورت تحصیل علم در مقالات روزنامه شکوفه از جایگاه مهمی برخوردار است چنانکه آن را از لوازم ترقی و سعادت ملک و ملت می‌شمرد؛ ولی در همان حال تصریح می‌نماید که علم همراه با تربیت، خود از موجبات کسب ملکات اخلاقی و صفات پسندیده است و اگر غیر از این باشد و در راه کسب مقام و ابراز تفاخر به کار رود به هیچ

۲۳. همان، شماره ۱۲، سال اول (۱۳۳۱ ه.ق)، ص ۴۷.

۲۴. همان، شماره ۲۰، سال دوم (۱۳۳۲ ه.ق)، ص ۱۲۷.

نیارزد: «... مقصود اصلی و مطالب کلی از مدرسه، همان تحصیل علوم و صنایع به تنهایی نیست بلکه عمده مطلب تهذیب اخلاق و صحت اعمال است که صفات رذیله از قبیل: حسد، عداوت، کذب، تهمت، سرقت، عیب‌جویی، مردم‌آزاری، لامذهبی، بی‌عصمتی، بی‌عفتی... را از خود دور نماید...»^{۲۵}

وی در جایی دیگر می‌آورد:

... چون عرق ملی و میهنی و وطن‌دوستی ندارند از تحصیل و اروپا رفتن خویش برای کسب موقعیتها و امکانات استفاده می‌کنند... حتی جوانهایی که تازه از خارجه آمده‌اند و از تحصیل و تربیت خارجه فقط در تخت خوابیدن و با قاشق غذاخوردن، [روی] صندلی نشستن و چند کلمه مصطلحه اروپائیان را از قبیل مرسی و پاردن و غیره را با خود آورده‌اند و به جای این که تحصیل خود را در راه ترقی وطن ببرند کیسه‌ها دوخته‌اند. یکی دم از وزارت می‌زند، دیگری کبابه ریاست می‌کشد...^{۲۶}

همچنین خرافه و خرافه پرستی و اعتقادات موهومه نیز از جمله مسائلی است که نویسندگان روزنامه از آنها بسیار انتقاد می‌کنند و راه حل درمان این باورهای بی‌پایه و غلط را تحصیل دانش و داشتن اعتقاد محکم مذهبی می‌دانند.^{۲۷}

تقید به احکام و اصول دین، اعتقاد قلبی مزین السلطنه بود. بدین لحاظ مطالب مربوط به رعایت قوانین مذهبی و حفظ حجاب و حدود میان مناسبات زن و مرد در جامعه و انتقاد از بی‌بندوباریهایی که در بعضی جاها پیش می‌آمده از مطالب مؤکد و مکرر آن روزنامه بود:

... این چه رفتار و حرکاتی است که بعضی از زنها یا بعضی از مردها دارند؟ ... به چه طریقه و مذهب صحیح است که در معبر عام قرق اسلامی را شکسته پرده اسلام را دریده بدون پرده و حجاب فتح هریاب کرده و برضد آیه شریفه «ولابدوا زینتهن الا لبعولهن» = باید ظاهر نسازید زیور و زینتهای خودتان را مگر از برای شوهران خودتان» خانمها هرچه زیور و زینت و لباسهای شیک و خودسازی دارند از برای مردهای نامحرم در بازار و بیابان و معبرها دارند با آن حرکات و سکنات مخصوص و از این زنها بدتر آن جوانان بی‌غیرت، بی‌عصمت، لامذهب می‌باشند که خودشان را مانند زنان می‌سازند و هیچ شرم و حیا از خدا نمی‌کنند و از مردم خجالت

۲۵. همان، شماره ۸، سال اول (۱۳۳۱ ه.ق)، ص ۳۰.

۲۶. همان، شماره ۶، سال اول (۱۳۳۱ ه.ق)، ص ۲۳.

۲۷. همان، شماره ۹، سال اول (۱۳۳۱ ه.ق)، ص ۳۳.

روزنامه در شماره دیگری به توضیح حقوقی که زن در شرع و قانون اسلام دارد، و بدین واسطه باعث برتری میان زنان اقوام و ملل و مذاهب دیگر می‌شود، می‌پردازد.^{۲۹} از هنگامی که بنابر سیاست سلطه و اقتصاد جهانی، کشورهای زیر پوشش این سیاست - و نیز کشورما - در زمره مصرف‌کنندگان کالا و اشیاء، ساخت خارج قرار گرفتند، سازندگی و ابداع از این مملکت رخت بربست و آنها را به مصرف‌کننده فرآورده‌های خارجی مبدل ساخت. به تدریج این روند شتاب گرفته و تنوع احتیاجات واقعی و غیرواقعی به اشکال مختلف بروز و نمود یافت. همزمان با این تحولات، تبلیغ استفاده از انواع اشیاء تجملی، رواج آن را عمومی‌تر ساخت. مجموعه این عوامل باعث شد که نویسندگان روزنامه، برآشفته از اوضاع جاری نگران از پیشرفت این گرایش جاهلانه و مذموم، از یک طرف به رواج روحیه تقلید و مصرف‌گرایی در بین زنان و خانواده‌ها انتقاد کنند و از جانب دیگر خسارات ناشی از استفاده کالاهای بیگانه را که راه بر تولید و ساخت داخلی و پویایی اقتصادی جامعه می‌بندد، گوشزد نمایند:

... تقلید در بسیاری از امورات باعث ذلت و فلاکت بلکه گاهی منجر به مرض و هلاکت می‌گردد... مثلاً کمینه می‌روم در منزل فلان خانم؛ وضع میل خانه و اساس البیت او را ملاحظه می‌کنم، خیلی خوشم می‌آید. برخود مخمر می‌نمایم که باید من هم این قسم بدل و اسباب برای منزلم درست بنمایم. پول هم که ندارم؛ تدبیری که می‌کنم این است که اسباب و میل قدیم خودم را به نصف بها می‌فروشم و قرض تومانی فلان مبلغ با هزار اسباب چینیهای دیگر می‌نمایم تا اسباب میل درست نموده...^{۳۰}

خانم عمید در مقاله‌ای برای حمایت از کالاها و منسوجات داخلی راه حل عملی، معقول و منطقی نشان می‌دهد:

البته در فقره منسوجات وطنی و صنایع مملکت هم هرگاه بخواهند شایع و جریان پیدا نماید آقایان روحانی و اولیاء امور که سبقت بگیرند و اقدام بنمایند و در مقام ترویج تجارت و صنایع وطن عزیز خود برآیند به این معنی که خودشان و بستگان و

۲۸. همان، شماره ۱۵، سال اول (۱۳۳۱ ه.ق)، ص ۵۸-۵۹.

۲۹. همان، شماره ۱۴، سال دوم (۱۳۳۲ ه.ق)، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۳۰. همان، شماره ۵، سال اول (۱۳۳۱ ه.ق)، ص ۱۹.

اهل خانه ببوشند چیزی نمی‌گذرد که منسوجات یزد و کرمان و اصفهان و سایر بلاد ایران همه رواج پیدا می‌کند...^{۳۱}

روزنامه شکوفه - تقریباً - از سال دوم به بعد، بیشتر رنگ و بوی سیاسی - انتقادی به خود گرفته و بحثهای مطروحه در آن کلی‌تر و جامع‌تر شد. در این بحثها نویسندگان به تجزیه و تحلیل علل بروز برخی از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و عقب‌ماندگیهای جامعه ایران می‌پردازند و گوشه‌هایی از این مسائل و نارساییها را همراه با انتقاد از عملکرد و یا به وجهی بی‌عملی مسئولان و صاحبمنصبان بازگو می‌کنند. برای نمونه مزین‌السلطنه در آن هنگام که مملکت به واسطه مطامع قدرتهای خارجی و سوء مدیریت داخلی دچار بحران و هرج و مرج شده بود در یکی از شماره‌ها فریاد برمی‌آورد که:

... همچنین تصور نکنید که همین مردها می‌توانند از وطن نگهداری بکنند یا خدای ناکرده وطن فروشی بنمایند، ما زنها هم می‌توانیم هم نگاهداری کنیم و هم خدای ناکرده خیانت کنیم... ای فرزندان ایران که همیشه شجاعت شماها ضرب‌المثل همه دول بوده از خواب بیدار و از مستی هوشیار شوید و تقلید و تاسی به وطن‌فروشان بی‌نام و ننگ نکنید...^{۳۲}

مختصری که آمد بخش کوچکی از مطالب گسترده روزنامه شکوفه را شامل می‌شود. روزنامه‌ای که با همت یک بانوی ایرانی و مسلمان در اوضاع و احوالی که امکان و فرصت چندانی برای نشان دادن تواناییهای بالقوه بانوان موجود نبود، انتشار یافت و به همین جهت نیز از اهمیت دوچندانی در تاریخ مطبوعات ایران برخوردار است. بررسی نمونه‌های ذکر شده نشان می‌دهد که موضوعات و روش طرح مطالب در آن روزنامه چنان است که حتی در حال حاضر نیز می‌تواند مخاطبانی برای خود بیابد.

۳۱. همان، شماره ۲۳، سال دوم (۱۳۲۱ ه.ق) ص ۹۰-۹۱.

۳۲. همان، شماره ۶، سال چهارم (۱۳۳۴ ه.ق)، ۲۵۷-۲۵۸.



پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي